

سینمای ایران

به همت: مجید شجاعی
با همکاری آقایان: محمد هاشمی، محمدرضا لطفی، امین علی کردی و
خانم‌ها: نگار حسینی، مریم بوستانی

بازیگری جذاب‌ترین بخش سینماست. اکثر کسانی که به سینما روی می‌آورند و جذب هنر هفتم می‌شوند، به شوق بازیگر و مشهور شدن است. بازیگران مشهورترین عوامل یک اثر سینمایی هستند و تماشاگران از طریق بازی آن‌هاست که با فیلم و ماجراهای آن ارتباط برقرار می‌کنند. از آن‌جا که زندگی بسیاری از بازیگران سینما با شایعات و توهنات عوامانه در هم آمیخته است اغلب سینمادوستان، آن‌ها را دارای زندگی افسانه‌یی و ثروت‌های بیکران می‌دانند و تصور می‌کنند در رفاه مادی و معنوی هستند در صورتی که جز مواردی اندک، این چنین نیست و بازیگران زیادی را می‌شناسیم که با فقر و گرفتاری دست و پنجه نرم می‌کنند. در هر حال بازیگر از نظر تماشاگر و پترین اصلی فیلم است و اوست که می‌تواند در توفیق فیلم به‌ویژه از لحاظ تجاری تأثیرگذار باشد. در واقع با شناخت از بازیگر است که تماشاگر به دیدن فیلم می‌رود. از همین رو توانایی و قدرت بازیگری و سایر جاذبه‌های یک بازیگر می‌تواند کلید فروش یک فیلم و جذب مخاطب به سینما باشد و همین امر مسئولیت و رسالت یک بازیگر را صد چندان می‌کند.

- بازی و بازیگری از نگاه بازیگران
- نگاهی به آثار و اندیشه‌های مسعود کیمیایی (بخش سوم)
- نگاهی گذرا به موسیقی متن در سینمای ایران
- به بهانه‌ی برگزاری بیست‌وهفتمین جشنواره‌ی فیلم فجر
- جشن خانه‌ی سینما از آغاز تا اکنون (قسمت دوم)
- نگاهی به زندگی هنری گوهر خیراندیش
- موسیقی سازان سینما در سینمای بعد از انقلاب



بازی و بازیگری از نگاه بازیگران

رضا کاینان، گوهر خیراندیش، رضا شفیعی جم، پولاد کیمیایی و... از بازیگری می‌گویند

مقوله‌ی بازیگری در سینمای جهان، یکی از عناصر مهم صنعت سینما محسوب می‌شود. بازیگران می‌توانند آن قدر تأثیرگذار باشند که موفقیت تجاری یک فیلم یا عدم موفقیت آن را رقم بزنند. در سینمای ایران هم بازیگری عرصه‌ی مهم برای حیات سینمای کشور است. در این راستا گفت‌وگویی با چند بازیگر سینمای ایران داشتیم تا نظرات خود را در مورد بازیگری و این که بازیگری سینمای ما در کجای سینمای دنیا ایستاده است، بگویند.

نگار حسینی

گوهر خیراندیش:

هیچ کس بدون شناخت وارد حرفه‌ی نمی‌شود

نمی‌توانیم راجع به سطح بازیگری حرف بزنیم به جز سطح بازیگری تعداد انگشت‌شماری که به واسطه‌ی تحصیلات و شعور بازیگری وارد این حرفه شده‌اند و اتفاقاً اکثرشان از تئاتر شروع کرده و یک ریشه‌ی تئاتری داشته‌اند و تحصیلات و تحقیقاتشان به نوعی با تئاتر ارتباط داشته و دارد. آن‌ها به واسطه‌ی چهره‌ی زیبایشان وارد این حرفه نشده‌اند.

من همیشه از این که می‌بینم حرفه‌ام به واسطه‌ی ورود افراد غیرمتخصص در حال آسیب دیدن است ناراحت می‌شوم. در هر حال با شرایطی که برای بازیگران ما وجود دارد و با توجه به محدودیت قصه‌ی و حتی محدودیت‌های پوششی، آن‌ها بسیار خوب عمل می‌کنند. به نظر من به هیچ وجه نمی‌توان یک بازیگر زن ایرانی را به لحاظ بازیگری با یک بازیگر زن خارجی مقایسه کرد، چرا که بازیگران زن ما به دلیل اعتقادات مذهبی و قوانین و چارچوب‌هایی که در کشورمان وجود دارد از لحاظ پوششی دارای محدودیت هستند و به همین خاطر نمی‌توانند برخی از نقش‌ها را آن‌طور که باید بازی کنند؛ برای مثال در ایران یک زن نمی‌تواند هیچ گاه نقش یک قاضی، غواص یا... را ایفا کند. البته این مسئله با میزان کم‌تر در مورد آقایان هم وجود دارد و به همین دلیل نمی‌توان تحلیل عمیقی از مقوله‌ی بازیگری داشت. به هر ترتیب با وجود این محدودیت‌ها بازیگران و فیلمسازان ما شاکار می‌کنند که این چنین زیبا داستان‌هایشان را روایت می‌کنند و به این زیبایی به ایفای نقش می‌پردازند و در همه‌ی دنیا هم بدین شکل می‌درخشند بدون آن که از قوانین کشوری عدول کنند. برای نمونه فیلم «رسم عاشق کشی» (خسرو معصومی) در جشنواره‌ی چین در همه‌ی بخش‌ها جایزه گرفت و ما بسیاری از فیلم‌هایمان و بازی بازیگرانمان در کل دنیا مورد تشویق واقع می‌شوند. بازیگران ما به واسطه‌ی رنج و سختی که در شرایط بازیگری متحمل می‌شوند، وقتی وارد پروژه‌ی



اصولاً بازیگری مقوله‌ی است که در ایران از طرف آدم‌هایی که دوست دارند بازیگر شوند جدی گرفته نمی‌شود. در حالی که در دنیا همه‌ی مسایل به سمت تخصصی شدن پیش رفته است و برای هر کاری باید آموزش خاص خودش را دید و هیچ کس بدون شناخت وارد حرفه‌ی نمی‌شود، در مورد مقوله‌ی بازیگری در کشور ما مسایل تا حد زیادی فرق می‌کند و از هر قشری به راحتی وارد حرفه‌ی بازیگری می‌شوند و بسیاری از افرادی که وارد این حرفه شده‌اند تا دیروز اصلاً شغلشان چیز دیگری بوده است! برای مثال برخی از آن‌ها دربان بیمارستان بودند، برخی راننده‌ی آژانس یا معلم و خواننده اما به واسطه‌ی چهره‌ی مناسب و روابطی که داشتند وارد این حرفه شدند، حال آن که چنین مسئله‌ی در دنیا معنا ندارد!

در مورد سطح بازیگری زمانی می‌توان به‌طور منسجم حرف زد که بازیگران تحصیلات آکادمیک داشته باشند. در این شرایط است که می‌توانیم بازی‌شان را آنالیز کنیم. در ایران همان‌طور که عنوان شد بازیگران به‌طور غیرتخصصی وارد این حرفه می‌شوند و به‌طبع

فیلمی می‌شوند که قابلیت دیده شدن دارد شاهکار می‌آفرینند. محدودیت‌هایی که در سینمای ما وجود دارد باعث ایجاد خلاقیت و صحنه‌های بدیع شده و در کل دنیا تحسین همگان را برانگیخته است. البته این شاهکارها در مورد خانم‌ها بیش‌تر است.

رضا کیانیان:

به عنوان یک بازیگر الگویی ندارم!



«رضا کیانیان» را باید از بازیگران فهیم سینمای ایران قلمداد کرد، چرا که همواره تلاش کرده است تا در مقوله‌ی بازیگری حرف‌های تازه‌یی برای گفتن داشته باشد. او در مورد هنر بازیگری نویسنده‌ی آثاری چون «شعبده‌ی بازیگری» و «تحلیل بازیگری» است. چندی پیش به همت فرهنگستان هنر در تالار محراب مراسمی برگزار شد و کیانیان حرف‌های جالبی در مورد بازیگری زد که بدون شک قابل تأمل و تعمق خواهد بود. بخش‌هایی از حرف‌های او را در ذیل می‌خوانیم.

او در مورد بازیگری معتقد است: «هنرمند مؤلف، هنرمندی است که گنج درونی خود را شناخته و با بهره‌گیری از آن، در کارش یگانه شده باشد. اصولاً با عنوان بازیگر مؤلف مشکل دارم. زمانی بحث کارگردان مؤلف در مجله‌یی که از سوی طیفی از روشنفکران منتشر می‌شد، مطرح شد. وقتی کارگردانی در تمام آثارش مؤلفه‌های خاصی را که دغدغه‌های او هستند پیگیری می‌کند به او عنوان کارگردان مؤلف اطلاق می‌شود، در حالی که تمام انسان‌ها در مشاغل گوناگون یگانه هستند و هیچ دو نفری شبیه یکدیگر نیستند».

او با اشاره به توصیه‌ی تمام ادیان مبنی بر خودشناسی و یافتن گنج درون یادآور شد: «در بازیگری هم این موضوع صادق است و بازیگر نباید تلاش کند از بازیگر دیگری پیروی کند و من به عنوان یک بازیگر الگویی ندارم، چون زمانی که الگو داشته باشیم نهایت کارمان مشخص است و برای کارمان انتهایی وجود دارد».

این بازیگر توانای سینمای ایران سپس به تشریح تفاوت بازیگران چندنقش و تک‌نقش پرداخت و عنوان کرد: «تجارت سینما و روشن بودن چراغ آن بر دوش بازیگران تک‌نقش است که گردش مالی این هنر - صنعت را به جریان می‌اندازند و همین گردش باعث ساخته شدن فیلم‌های خاص‌تر با حضور بازیگران چندنقش می‌شود. برخی از بازیگران وقتی در نقشی خوب ظاهر شوند مدام به تکرار آن می‌پردازند، چرا که مردم علاقه‌مندند تا آن‌ها را در همان نقش ببینند. عده‌یی از این بازیگران توانشان در همین حد است، ولی عده‌یی دیگر هم وجود دارند مانند محمدعلی فردین که در نقش علی بی‌غم گیر افتاده بود در حالی که توانایی بسیاری داشت و

خودش هم از این موضوع ناراحت بود. او در خاطراتش توضیح داده که علاقه‌ی بسیاری داشته با کارگردان‌های جوان موج نوی سینما کار کند اما از سوی این کارگردان‌ها پیشنهاد همکاری با او مطرح نشده بود و تنها فرصتی که به دست آورد، بازی در فیلم غزل ساخته‌ی مسعود کیمیایی بود. در تجارت سینما بازیگران تک‌نقش معروف‌تر هستند، چون مردم برای دیدن زیبایی‌هایی که طبیعت به آن‌ها داده پول می‌دهند و عده‌ی کم‌تری حاضر می‌شوند برای دیدن بازیگر چندنقش پول بدهند. به همین دلیل بسیاری از این بازیگران، نقش‌های دوم و سوم فیلم‌ها را که نقش‌های پیچیده‌تری است بازی می‌کنند. مردم به‌طور عام خواهان چیزی هستند که آن‌ها را می‌دانند و کم‌تر علاقه‌مندند چیزهایی را ببینند که آن‌ها را نمی‌دانند؛ مانند کودکان که همیشه خواستار شنیدن قصه‌های تکراری هستند، اما زمانی که به دوره‌ی نوجوانی و جوانی می‌رسند سر به شورش برمی‌دارند و خواهان چیزهای جدیدی هستند. ولی این‌ها به آن معنا نیست که عامه‌ی مردم کم‌شعورند و عده‌ی محدودی بسیار باشعور، چرا که جهان این‌گونه است».

به اعتقاد او بسیاری از بازیگران وقتی در نقشی درخشیدند در همان نقش باقی می‌مانند چون خواهان تشویق مردم هستند، اما بازیگران دیگری هم هستند که تنها در پی تشویق مردم نیستند بلکه تشویق خودشان را می‌خواهند که سرمایه‌ی سینما علاقه‌ی چندانی به این بازیگران ندارد. گروهی معتقدند بازیگر باید همه چیز را تجربه کند، اما زمانی که به این موضوع می‌اندیشیم می‌بینیم چنین چیزی ممکن نیست چون این تجربه کامل نیست؛ به‌طور مثال نمی‌توان برای بازی در نقش معتاد یا دزد، دست به انجام این کارها زد چون این نقش با آن کار متفاوت است و تنها به دست آوردن تجربه است، بنابراین این تجربه کامل نیست؛ ضمن این که در تمام لحظات زندگی‌مان همه چیز را تجربه می‌کنیم، چون به عنوان نوع انسان همیشه در ورطه‌ی گناه و توبه در حرکتیم. این تناقض باعث رشد ما می‌شود و البته همیشه دوست داریم توبه کنیم و پاک باشیم ...

ماهایا پتروسیان:

تأسف برای سینمای ایران!



متأسفانه بازیگری در کشور ما به‌شدت غیرتخصصی شده و این به خاطر سیاستگذاری‌های غلط و نوع فیلم‌هایی است که ساخته می‌شود. حدود ۷ یا ۸ سال است که هر روز از تعداد بازیگران خوب و کاربلد ما کاسته شده و به تعداد افراد نابازیگر اضافه می‌شود. شدت این جریان در سال‌های اخیر به اندازه‌یی بوده که حتی صدای مردم

عادی جامعه هم درآمده است و آن‌ها به این مسئله معترض‌اند و برایشان جای سؤال دارد که چه‌طور ورود به عرصه‌ی بازیگری تا این حد آسان شده است؟! گاهی اوقات حتی راننده آژانس‌ها و سوپرمارکت محله‌مان در این مورد از من می‌پرسند که چرا افراد قدیمی و خوب گذشته دیگر کار نمی‌کنند و تنها یک‌سری افرادی که صرفاً به خاطر چشم و ابروی قشنگشان آمدند، بازی می‌کنند؟! البته در این سال‌ها رابطه به مراتب از چهره مهم‌تر شده است و بسیاری از افراد فقط به خاطر ارتباط و واسطه‌هایی که دارند بازیگر شده‌اند؛ هرچند رابطه و به اصطلاح پارتی‌بازی برگرفته از وضعیت کل جامعه‌ی ماست و تنها به بازیگری اختصاص ندارد. مدت‌هاست که دیگر قیج پارتی و باندبازی از بین رفته است؛ تحصیلکرده‌های این حرفه و کسانی که بازیگری را به‌طور آکادمیک آموخته‌اند در کنج خانه‌هایشان نشستند و ... شرایط جامعه‌ی بازیگری ما به سمتی رفته که از حالت آرمانی‌اش خارج شده است. این روزها همه‌ی افراد بدون داشتن کوچک‌ترین دانشی و تنها با رابطه و چشم و ابرو می‌توانند وارد این حرفه شده و به مدد تشریفات زرد یک‌شبه تبدیل به یک ستاره شوند. تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها هم با انتخاب موضوع‌های ضعیف و کم‌خرج برای فیلمنامه‌هایشان به این قضیه دامن می‌زنند. تهیه‌کننده‌های ما فقط به این فکر هستند که پول کم‌تری پرداخت کنند و به هیچ وجه به این مسئله فکر نمی‌کنند که ساخت چنین فیلم‌هایی سطح سلیقه‌ی مخاطب را به شدت پایین آورده و بی‌فرهنگی و بی‌سوادی و سطحی‌نگری را در جامعه ترویج می‌دهد. اگر هم فیلمی ایرانی در خارج از کشور مورد تقدیر قرار گرفته و به بازیگرش جایزه‌ی دادند کاملاً اتفاقی و ثمره‌ی تلاش شخصی این افراد بوده است. به هر ترتیب جز تأسف برای وضعیت سینمای ایران کاری نمی‌توان انجام داد!

بولاد کیمیایی: بازیگری خیلی ساده شده است!



وقتی این سؤال مطرح می‌شود بلافاصله مسئله‌های دیگری هم طرح می‌شود مثل این که شرایط و جایگاه سینما چیست و کجاست؟ بازیگری از کل سینما جدا نیست که ما بتوانیم آن را به تنهایی تجزیه و تحلیل کنیم. بازیگر باید با سایر عناصر سینما در یک سطح قرار گیرد و اگر هر کدام از آن‌ها از دیگری جلو بزنند، کفه‌ی ترازو و توازن که برقرار است به هم می‌خورد. اگر بازیگری ما از سینمای ما جلوتر حرکت کند، باعث می‌شود که دچار سرخوردگی شود به این دلیل که عوامل دیگر نمی‌توانند پا به پای بازیگری حرکت کنند و به همین خاطر بازیگری دچار کم‌کاری و گوشه‌گیری می‌شود. در کل سینمای ما روایی را در پیش گرفته است که تک‌تک عناصری که در حال پیشرفت هستند در ادامه‌ی راه دچار مشکل می‌شوند. اکثر تهیه‌کننده‌های ما می‌خواهند از هزینه‌ها تا آن‌جا که امکان دارد کم کنند و همین مسئله باعث می‌شود که بسیاری از چیزها از حالت آرمانی و حتی معمولی‌اش خارج شود. برای مثال در کشورهای بزرگ و صاحب سبک یک بازیگر در سال به‌طور معمول در یک یا در نهایت دو فیلم ظاهر می‌شود. برای ساخت یک فیلم سینمایی حداقل ۶ ماه پیش‌تولید دارند و تحقیقات زیادی انجام می‌گیرد. بازیگرها مدت‌ها تحت تعلیم و آموزش هستند. متأسفانه در چند سال گذشته در کشور ما بازیگران هم‌نسل من بسیار کم‌توقع شده‌اند ... و برای آموزش و یادگیری و حتی الگوبرداری وقت چندانی را

عادی جامعه هم درآمده است و آن‌ها به این مسئله معترض‌اند و برایشان جای سؤال دارد که چه‌طور ورود به عرصه‌ی بازیگری تا این حد آسان شده است؟! گاهی اوقات حتی راننده آژانس‌ها و سوپرمارکت محله‌مان در این مورد از من می‌پرسند که چرا افراد قدیمی و خوب گذشته دیگر کار نمی‌کنند و تنها یک‌سری افرادی که صرفاً به خاطر چشم و ابروی قشنگشان آمدند، بازی می‌کنند؟! البته در این سال‌ها رابطه به مراتب از چهره مهم‌تر شده است و بسیاری از افراد فقط به خاطر ارتباط و واسطه‌هایی که دارند بازیگر شده‌اند؛ هرچند رابطه و به اصطلاح پارتی‌بازی برگرفته از وضعیت کل جامعه‌ی ماست و تنها به بازیگری اختصاص ندارد. مدت‌هاست که دیگر قیج پارتی و باندبازی از بین رفته است؛ تحصیلکرده‌های این حرفه و کسانی که بازیگری را به‌طور آکادمیک آموخته‌اند در کنج خانه‌هایشان نشستند و ... شرایط جامعه‌ی بازیگری ما به سمتی رفته که از حالت آرمانی‌اش خارج شده است. این روزها همه‌ی افراد بدون داشتن کوچک‌ترین دانشی و تنها با رابطه و چشم و ابرو می‌توانند وارد این حرفه شده و به مدد تشریفات زرد یک‌شبه تبدیل به یک ستاره شوند. تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها هم با انتخاب موضوع‌های ضعیف و کم‌خرج برای فیلمنامه‌هایشان به این قضیه دامن می‌زنند. تهیه‌کننده‌های ما فقط به این فکر هستند که پول کم‌تری پرداخت کنند و به هیچ وجه به این مسئله فکر نمی‌کنند که ساخت چنین فیلم‌هایی سطح سلیقه‌ی مخاطب را به شدت پایین آورده و بی‌فرهنگی و بی‌سوادی و سطحی‌نگری را در جامعه ترویج می‌دهد. اگر هم فیلمی ایرانی در خارج از کشور مورد تقدیر قرار گرفته و به بازیگرش جایزه‌ی دادند کاملاً اتفاقی و ثمره‌ی تلاش شخصی این افراد بوده است. به هر ترتیب جز تأسف برای وضعیت سینمای ایران کاری نمی‌توان انجام داد!

رضا شفیعی جم: بازیگری ما از جنس خودمان است



به نظر من قیاس بازیگری در نقاط مختلف دنیا با هم چندان کار درستی نیست؛ بازیگری در هر جای دنیا برگرفته از فرهنگ، شکل و نوع زندگی افراد جامعه است و به همین دلیل در هر جایی شکل مختص به خودش را دارد. بازیگری در کشور ما هم از جنس مردم خودمان است. اما در مورد شرایط کنونی بازیگری باید بگویم که در سال‌های اخیر ورود به بازیگری نسبت به گذشته آسان‌تر شده و دیگر برای بازیگر شدن احتیاج به طی کردن یک راه دشوار نیست و این مسئله به کمک پول، چهره و البته رابطه آسان شده است؛ ولی خب

صرف نمی‌کنند. در چند سال گذشته سینمای ما به شدت به الگو و کپی‌برداری از تلویزیون روی آورده است. ما از تنوع گونه‌ی محدودی برخوردار هستیم. عموم فیلم‌های ما ملودرام است آن هم با یک سبک و سیاق مشخص. سال‌هاست که سینمای ما یک فیلم تاریخی عظیم را نساخته که حرفی برای گفتن داشته باشد. متأسفانه ما در جذب مخاطب راه را به اشتباه رفته‌ایم. اکثر فیلم‌هایی را که ما به قصد فروش و برای گیشه ساخته‌ایم با شکست مواجه شدند و در برخی موارد فیلم‌هایی مورد پسند واقع شدند که تنها برای قشر خاصی از مردم جامعه ساخته شده‌اند. در هر حال بازیگران گذشته و استادان و بزرگان همه‌ی عشق و دغدغه‌شان بازیگری بود و از ابتدا تلاش کردند و با تمام ناملایمات و موفقیت‌های بازیگری ساختند. آن‌ها تنها به عنوان یک هنر والا به آن نگاه می‌کردند نه منبع درآمدزا و ... اما در حال حاضر بازیگری بسیار ساده و غیرتخصصی شده است. البته من موافق ایجاد محدودیت و آزمون‌های خیلی سخت در بازیگری نیستم. به نظر من گاهی وقت‌ها نیاز است که درها را باز کرد و اجازه داد عده‌ی وارد شوند تا بلکه اتفاقاتی بیفتد اما آن عده‌ی که وارد شدند را باید تحت آموزش قرار داد تا بتوانند در بازیگری به خلاقیت دست بزنند.

به چشم آمدن و دیده شدن شاید بیش‌ترین بهانه باشد برای اکثر افرادی که دوست دارند وارد این حرفه شوند؛ این که عکسشان روی جلد مجله‌های مختلف چاپ شود، یا آن‌ها مصاحبه کنند و ... همین مسئله باعث می‌شود که وقتی این افراد با این نگاه وارد این حرفه می‌شوند و به شهرت می‌رسند تحمل کشیدن آسایش را نداشته باشند و اسم و شهرتشان بر آن‌ها سنگینی کند! متأسفانه افراد زیادی هستند که یک‌شبه ره صد ساله را رفتند و همین باعث می‌شود که نگاهشان به سینما سطحی باشد و دانش زیادی راجع به بازیگری نداشته باشند و حتی تاریخ ساده‌ی سینما را هم ندانند. در موج جدید سینما که در ایران به راه افتاده است، چهره حرف اول را می‌زند. هرچند که داشتن زیبایی نسبی برای بازیگر مهم است، اما همه چیز نیست. امروزه در جامعه‌ی بازیگری، ما از تنوع شخصیت‌ها محروم هستیم. در یک سنی با ازدیاد بازیگر مواجه هستیم و در سن دیگر اصلاً بازیگر نداریم. معمولاً بازیگرهای ما هم‌سطح و شبیه به هم هستند و جز عده‌ی بسیار محدودی تفاوت آن‌چنانی با هم ندارند ... سینما نباید در پی این باشد که جامعه‌ی عام را جذب کند، بلکه باید دارای ایدئولوژی خودش باشد و نقش صادرکننده‌ی هنر را ایفا کند. سینمای ایتالیا در مقطعی آن‌قدر کارهای خوب و فاخر تولید کرد که در این زمینه برای خودش صاحب سبک شد. بعد از آن هم سینمای فرانسه و بعد آمریکا و ... اما آمریکا در این زمینه آن‌قدر پیشرفت کرد که سینما را به یک صنعت پر درآمد تبدیل و از حالت هنری صرف خارج کرد. در سینمای خودمان بعد از هیاهوی فراوان، یک دوره‌ی نسبتاً خاموش را سپری کردیم. بعد از آن به ساخت فیلم‌هایی رو آوردیم که در جشنواره‌های جهانی مورد پسند واقع شدند و جایزه گرفتند. عموم قصه‌های این فیلم‌ها در مورد روستایی دورافتاده بود که یک بار کودک قهرمان داستان بود، بار دیگر زن روستایی، یک بار هم مرد و ... اکثرشان هم از موضوع‌های غم‌انگیزی برخوردارند. البته این سبک تا زمانی جذاب و زیباست که

مختص به یک کارگردان است، اما در حال حاضر صورت عام به خودش گرفته و بسیاری از کارگردان‌ها آن را تجربه کرده‌اند. نباید فراموش کنیم که این سبک فیلم‌ها وقتی در جشنواره‌های مختلف دنیا به نمایش درمی‌آیند خواه‌ناخواه به نماینده‌ی جامعی ما تبدیل می‌شوند، در حالی که به‌واقع این‌طور نیست و عامه‌ی مردم ما زندگی شهرنشینی و دغدغه‌های زندگی شهری دارند. ما باید نگاهمان به موضوع‌ها تغییر کند و به مسایلی بپردازیم که از دل جامعه برخاسته است، ولی متأسفانه تا به حال قدمی در این راستا برداشته نشده است.

حمیدرضا پگاه:

فیلم‌های ما در یک سطح هستند



بازیگری ما در ایران به‌طور کامل به فیلم‌هایی که در کشور ساخته می‌شوند بستگی دارد؛ این‌طور نیست که بگوییم بازیگرمان چند قدم از سینما جلوتر است یا به‌عکس ... در کل همه چیز به هم پیوسته است و کاملاً به هم شباهت دارد. به هر حال از قدیم گفته‌اند که هر چه قدر پول بدهی همان اندازه آش می‌خوری. شرایط و امکاناتی که در سینمای ما فراهم است، انگیزه‌ی را برای بازیگر باقی نمی‌گذارد که بخواهد تلاش بیش‌تری انجام دهد. فیلم‌نامه‌های ما همگی در یک سطح هستند و خیلی کم پیش می‌آید که با نقشی در آن‌ها مواجه شویم که جای کار داشته باشد.

در مورد جریان ستاره‌سازی در ایران باید بگوییم که این مسئله در کل دنیا وجود دارد و اتفاقاً به بالا بردن میزان تماشاگر فیلم‌ها منجر می‌شود، اما در کشور ما جریان ستاره‌سازی هم آن‌طور که باید نیست و فیلم‌های بسیار کمی هستند که صرفاً به خاطر بازیگرشان فروش می‌کنند. ما تنها چند چهره‌ی پرطرفدار داریم که به ستاره تعبیر می‌شوند اما همان تعداد هم کمک چندانی به فروش فیلم‌ها نمی‌کنند! چرا که روی این افراد سرمایه‌گذاری به صورت درست انجام نشده است. در مورد قیاس بازیگری در ایران با دنیا و به‌ویژه هالیوود باید بگوییم که اساس قیاس این دو کار اشتباهی است. در سینمای هالیوود بستر برای ساخت یک فیلم قوی و یک بازی زیبا و حساب‌شده فراهم است و همه‌ی عوامل در خدمت فیلم هستند، ولی در ایران ...

ما در سال‌های اخیر نه تنها شاهد رشد سطح سینمای کشور نبودیم، بلکه روز به روز شاهد عقب رفتن آن هم بودیم! در هر حال آرزو می‌کنم روزی سینمای کشورمان به جایگاه واقعی و آن‌جایی که مستحقش است دست پیدا کند ■